

پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده

مریم السادات فخری^۱، راحله مهدویان فرد^۲، سید علی کیمیایی^{۳*}

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۸

تاریخ ارسال: ۹۶/۱۰/۱۸

چکیده

در سال‌های اخیر، ایران با روند روبه رشد و نگران‌کننده طلاق در همه استان‌ها مواجه شده است. از این رو در این پژوهش به بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده، در احتمال طلاق پرداخته شد. این پژوهش به لحاظ هدف توسعه‌ای و از نظر روش همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان متأهل شهر مشهد بود که با توجه به ماهیت روش پژوهش که جزء طرح‌های همبستگی محسوب می‌شود و تعداد متغیرهای پژوهشی، ۴۰۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های احتمال طلاق، اجتناب و اضطراب در روابط نزدیک و حل مسئله خانواده پاسخ دادند. از این تعداد در نهایت ۳۸۸ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده در احتمال طلاق از آزمون رگرسیون هم‌زمان استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد، R^2 اصلاح شده چندگانه بین متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله در احتمال طلاق ۰/۳۳ بود که متغیرهای پیش‌بین ۳۳ درصد از واریانس احتمال طلاق را تبیین می‌کردند. از این بین، دل‌بستگی اجتنابی و مهارت حل مسئله قادر به پیش‌بینی احتمال طلاق بودند، اما دل‌بستگی اضطرابی نقشی در پیش‌بینی آن نداشت. در مجموع نتایج این پژوهش نشان داد که سبک دل‌بستگی اجتنابی و مهارت حل مسئله زنان می‌تواند از عوامل پیش‌بینی‌کننده مهم احتمال طلاق ایشان باشد چرا که توانایی حل مسئله خانواده یکی از عوامل تعدیل‌کننده اثرات رویدادهای منفی زندگی است و سبک دل‌بستگی، عامل مهمی است که عملکرد سالم و ناسالم زناشویی را توجیه می‌کند و روشی برای پاسخگویی به دلایل ناسازگاری زوج‌ها ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: احتمال طلاق، دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی، مهارت حل مسئله خانواده

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. * دانشیار مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. kimiaee@um.ac.ir

مقدمه

ازدواج محبوب‌ترین بنای گسترده‌ی جهان هستی در پیشگاه خالق زوج آفرین است (افروز، ۲۰۰۹، به نقل از خوشنویسان، افروز و دلاور، ۱۳۸۹) و از دیرباز به‌عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد همواره مورد توجه بوده است (روشنی، ۱۳۹۰). رسیدن به یک ازدواج رضایت‌بخش یا عاشقانه تقریباً یک هدف جهانی است، و درگیر بودن در یک رابطه عاشقانه بر زندگی روزمره یک فرد و احساس خوب بودن او تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین این عجیب نیست که انحلال یک رابطه می‌تواند عواقب منفی برای بسیاری از زوجین داشته باشد (بریتانی، سولومون، جاشوا و جکسون، ۲۰۱۴).

مباحث پیرامون خانواده و راه‌های تحکیم آن از دغدغه‌های متداول مجامع علمی است و علوم مربوط به آن، به‌ویژه روان‌شناسی تلاش می‌کنند که تدابیری به عمل آورند تا عوامل و موارد تهدیدکننده را شناسایی کرده و روزه‌روز میزان ثبات خانواده را فزونی بخشند (لارنس، باند، باری، بروک، سالیوان، پاچ، وایت، داد و آدامز، ۲۰۰۸). یکی از مهم‌ترین عوامل تاریخچه‌ای در ارتباط زوج‌ها، شیوه‌ی دل‌بستگی آنهاست که یا ایمن است یا نایمن. برخی از پژوهشگران بر این باورند که مشکلات زناشویی در سبک‌های دل‌بستگی زوج‌ها ریشه دارند چرا که دل‌بستگی، پیوند عاطفی هیجانی نسبتاً پایداری است که نقش قدرتمندی در زندگی عاطفی بزرگسالان دارد (پاپالیا، ۲۰۰۲؛ به نقل از برناه، ۱۳۹۲).

اگرچه سبک دل‌بستگی ایمن و نایمن یک طبقه‌بندی استاندارد و شناخته شده است اما در سال‌های اخیر پژوهشگران به دو بعد معتبر یعنی دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی که با روش تحلیل عاملی به دست آمده، پرداخته‌اند؛ که بیانگر این است که اجتناب بالا باعث ایجاد فاصله عاطفی، دوری‌گزینی با شریک رابطه و متکی بودن بر خود؛ و اضطراب بالا باعث چسبندگی آزاردهنده، حساسیت بالا به هرگونه نشانه دوری و وابستگی بیش‌ازحد به شریک رابطه است (پاتریک، سلز، گیردانو و تولرود، ۲۰۰۷). این سبک‌های دل‌بستگی در مواقع

-
1. Brittany, Solomon, Joshua & Jackson
 2. Lawrence, Bunde, Barry, Brock, Sullivan, Pasch, White, Dowd & Adams
 3. Patrik, Sells, Giordano & Tollerud

پراسترس فعال می‌شوند. به عبارت دیگر اینکه چگونه افراد به صورت احساسی یا رفتاری به موقعیت یا مسئله واکنش نشان دهند به سبک دل‌بستگی آن‌ها برمی‌گردد. در این صورت داشتن سبک دل‌بستگی نایمن این افراد را به این سمت می‌کشاند که رابطه عاشقانه خود را به صورت منفی تجربه کنند و در نتیجه آن‌ها در حین مشکلات به سمت رفتارهای مخرب کشیده می‌شوند. (اجسی و جنکوز، ۲۰۱۱). علاوه بر تأکیدهای نظریه دل‌بستگی، نتایج پژوهش‌های تجربی، ارتباط بین سبک دل‌بستگی و رضایت زناشویی را معنادار می‌دانند (حمیدی، ۱۳۸۶؛ حیدری و اقبال، ۱۳۹۰؛ بانسی، ۲۰۰۴؛ ماتیوس، ۲۰۱۰). داده‌های پژوهشی تمایز آشکاری را بین زوج‌های ایمن و نایمن نشان داده‌اند و چنین بیان می‌کنند که در زمینه سازگاری زناشویی، زوجین نایمن، ضعیف‌ترین و پایین‌ترین سازگاری و زوج‌های ایمن بالاترین سازگاری را نشان می‌دهند. برن و همکاران (۱۹۹۸؛ به نقل از عارفی، نوایی نژاد، شفیع‌آبادی و کیامنش، ۱۳۹۱) دو عامل اجتنابی و اضطرابی را در تحلیل عامل به دست آوردند. این دو بعد سبک دل‌بستگی را به عنوان الگوی تمرکز بر «خود» (دل‌بستگی اجتنابی) و الگوی تمرکز بر «دیگران» (دل‌بستگی اضطرابی) مفهوم‌سازی می‌کند. افراد اجتنابی، دفاعی و طرد‌کننده بوده، در روابط عدم درگیری و عقب‌نشینی عاطفی را پیشه می‌کنند. آن‌ها نه خود و نه دیگران را در مواقع پریشان‌حالی قابل دسترس نمی‌بینند (به نقل از عارفی، نوایی نژاد، شفیع‌آبادی و کیامنش، ۱۳۹۱). علاوه بر این خجسته مهر، امان‌اللهی، زهرای و رجبی (۱۳۹۳) در پژوهشی بیان کردند که زنان با سبک دل‌بستگی اضطرابی، از طرفی زمینه درگیری و تعارض با همسر به وجود می‌آورند و از طرف دیگر مهارت‌های حل مسئله ندارند تا بتوانند مشکل به وجود آمده را حل و از ادامه تعارض و درگیری‌ها جلوگیری کنند.

از میان عوامل متعدد تأثیرگذار، موضوع حل مسئله خانواده در درک پویایی‌های تعاملات و روابط زناشویی مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و پژوهشگران واقع شده است. یافته‌ها دال بر آن‌اند که مهم نیست افراد در زندگی با مشکل، دردسر و گرفتاری روبه‌رو نشوند بلکه مهم آن است که در مواجهه با این گونه موقعیت‌ها بتوانند به شیوه‌ای صحیح عمل

-
1. Banse
 2. Matthews

کنند (چانگ، سانا، رایلی، ترنبرگ، زامبرگ و ادواردز^۱، ۲۰۰۷). پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردار نیستند به محض اینکه با مانعی برخورد می‌کنند ممکن است رفتارهای تکانشی از خود بروز دهند، احساس ناکامی کنند، پرخاشگر شوند یا برای پرهیز از موقعیت مشکل‌ساز گوشه‌گیر شوند. تکرار چنین موقعیت‌هایی ممکن است به ایجاد و بروز رفتارهای غیر انطباقی منجر شود (کسیدی^۲، ۲۰۱۰).

پژوهش احمدی، اشرفی، کیمیایی، افضلی (۲۰۱۰) نشان داد که حل مسئله خانواده روشی مؤثر در کاهش نارضایتی زناشویی محسوب می‌شود. در پژوهشی دیگر که توسط آزادی، کیمیایی و عباسی، (۱۳۹۳) انجام شد نتایج نشان داد که افزایش توانایی حل مسئله خانواده و افزایش باورهای منطقی با کاهش میزان مشکلات و ناسازگاری زناشویی همراه است. چراکه ارزیابی مهارت حل مسئله فرد یک عامل مهمی است که در رابطه با اینکه چگونه یک موقعیت متعارض، مدیریت می‌شود؛ در نظر گرفته می‌شود (هپنر و لی^۳، ۲۰۰۲). از آنجایی که خانواده اساس و شالوده‌ی زندگی فردی و اجتماعی است و هسته‌ی اصلی خانواده زن و شوهر هستند، هرگونه تلاش برای حفظ روابط از آسیب‌های احتمالی لازم و ارزشمند است. در سال‌های اخیر، احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه میان مرد و زن به سستی گراییده و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشایند شده است و جهان قیامی ناگهانی در افزایش نرخ طلاق را تجربه کرده است (صفی زاده و نخعی، ۲۰۱۶). از این رو کمک به ازدواج و خانواده به‌عنوان یکی از نیازهای ضروری جامعه ما محسوب می‌شود. با توجه به مبانی نظری و یافته‌های پژوهشی، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل پیش‌بینی‌کنندگی احتمال طلاق با توجه به دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله صورت پذیرفت.

-
1. Chang, Sanna, Riley, Thornburg, Zumberg & Edwards
 2. Cassidy
 3. Heppner & Lee

روش پژوهش

جامعه پژوهش حاضر، شامل زنان متأهل شهر مشهد بودند که با توجه به ماهیت پژوهش و تعداد متغیرها، ۴۰۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرایط ورود به پژوهش، داشتن سن ۲۰ تا ۴۵ سال، تحصیلات حداقل سیکل، نداشتن بیماری روانی و جسمی خاص و زندگی مشترک با همسر بود. شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های احتمال طلاق، تجربه روابط نزدیک (ECR)^۱ و حل مسئله خانواده پاسخ دادند. با حذف پرسشنامه‌های مخدوش، در نهایت حجم نمونه به ۳۸۸ نفر رسید. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود.

ابزارهای پژوهش حاضر از قرار زیر است:

پرسشنامه احتمال طلاق: شاخص بی‌ثباتی ازدواج یک ابزار ۲۶ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن تدوین شده است. شاخص بی‌ثباتی ازدواج با ضریب آلفای ۰/۹۳ از یک همسانی درونی عالی برخوردار است. یاری پور (۱۳۷۹) برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار روش دونیمه کردن را بکار برد که برای تعیین هماهنگی درونی آزمون استفاده شد. همچنین یاری پور (۱۳۷۹) برای ارزیابی محتوای آزمون شاخص بی‌ثباتی ازدواج از نظرات چندین تن از اساتید متخصص استفاده شد که همه روایی آزمون را مورد تأیید قرار دادند. این ابزار از روایی پیش‌بین بسیار خوبی نیز برخوردار است. برآورد آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۶۷ بود.

پرسشنامه تجربه روابط نزدیک (ECR): ابزاری که به منظور اندازه‌گیری سبک‌های دل‌بستگی بکار برده شده، مقیاس تجربه روابط نزدیک است که توسط برن، کلارک و شیور^۲ در سال (۱۹۸۹) طراحی شده است. این ابزار بر مبنای نظریه بارثولومئو^۳ در زمینه سبک‌های چهارگانه دل‌بستگی طراحی شده است. در زمینه روایی محتوایی ابزار فوق می‌توان به این نکته اشاره نمود که سبک‌های چهارگانه دل‌بستگی بر دو محور اضطراب و اجتناب استوار شده است. در مواقعی که اضطراب و اجتناب بالا باشد افراد با سبک دل‌بستگی

1. the experience in close relationship scaple

2. Brennan, Clark & Shaver

3. Bartholomew

اجتناب‌گر ترسان شناخته می‌شوند و اگر اضطراب و اجتناب پایین باشد افراد با سبک دل‌بستگی ایمن مطرح می‌گردند. همچنین اضطراب پایین و اجتناب بالا معرف سبک دل‌بستگی اجتناب‌گر نفی‌کننده و اضطراب زیاد و اجتناب کم نشان‌دهنده سبک دل‌بستگی دل‌مشغول است. هرچند که محور اجتناب و اضطراب دارای مقیاس فاصله‌ای است ولی بر اساس نقطه برش با چهار سبک دل‌بستگی سروکار داشته که به‌گونه‌ای دقیق می‌تواند سبک‌های دل‌بستگی را اندازه‌گیری نماید. این پرسشنامه دارای ۳۵ گویه بوده که بر اساس مفروضات مقیاس‌های عینی با تأکید بر طیف ترستون از دامنه یک تا هفت، مورد نمره‌گذاری قرار می‌گیرد و تعداد ۱۷ سؤال آن مربوط به حوزه اضطراب و ۱۸ سؤال دیگر مربوط به محور اجتناب است. در نسخه اصلی تعداد سؤالات ۳۶ گویه بوده است که در روند هنجاریابی برای ایران یک سؤال حذف شده است (پناغی، ملکی، ذبیح‌زاده، پشت‌مشهدی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۲). این پرسشنامه بر اساس پژوهش‌های قبلی اعتبار خوبی (آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تا ۰/۹۴) را کسب کرده است و طی سه هفته بازآزمایی ضریب اعتبار ۰/۹۰ تا ۰/۹۵ برای آن گزارش شده است. مطالعات مربوط به رواسازی ابزار نشان داده که این پرسشنامه از روایی سازه قوی برخوردار است (عارفی و همکاران، ۱۳۹۱). برآورد آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۵۹ بود.

پرسشنامه حل مسئله خانواده: این پرسشنامه با الهام از پرسشنامه‌های فورگاتچ^۱ (۱۹۸۹)، کایرن، مگوایر و هارلبوت^۲ (۱۹۹۶) چمپیون و پاور^۳ (۲۰۰۰) دی زوریلا و نزو (۱۹۹۰) توسط احمدی (۱۳۸۷) ساخته شد. مواد این پرسشنامه در زمینه روش‌های مواجهه با مشکلات فعلی، میزان شناخت فرایند و گام‌های حل مسئله و چگونگی به‌کارگیری روش‌های حل مسئله در بین زوج‌ها است. بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از گزینه هیچ‌وقت = ۱، به‌ندرت = ۲، بعضی مواقع = ۳، خیلی مواقع = ۴، و همیشه = ۵ نمره‌گذاری شده است. عبارات، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۵، ۲۶ و ۳۰ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. ضریب همبستگی

1. Forgatch
2. Kieren, Maguire & Hurlbut
3. Champion & Power

درونی پرسشنامه با روش ضریب آلفای کرونباخ $0/92$ و میزان اعتبار پرسشنامه با روش بازآزمایی در فاصله‌ی دو هفته در بین زوج‌ها $0/64$ محاسبه شد (آزادی، کیمیایی و عباسی، 1390). برآورد آلفای کرونباخ در این پژوهش $0/904$ بود.

یافته‌های پژوهش

نمونه‌ی پژوهش حاضر شامل 388 نفر بود که همگی زن با میانگین سنی $m=(31/61)$ سال، میانگین سن همسر $(36/04)$ سال و میانگین مدت ازدواج $(m=10/79)$ سال بود. 33 درصد افراد نمونه شاغل و 67 درصد خانه‌دار بودند و به‌طور متوسط 1 فرزند داشتند. در ادامه شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
احتمال طلاق	۹/۹۸	۹/۴۲
دل‌بستگی اجتنابی	۴۸/۰۴	۱۷/۳۵
دل‌بستگی اضطرابی	۶۴/۴۳	۱۸/۳۰
مهارت حل مسئله	۹۸/۷۸	۱۷/۵۲

داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهند که به ترتیب متغیرهای احتمال طلاق، دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله دارای میانگین $9/98$ ، $48/04$ ، $64/43$ و $98/78$ هستند.

جدول ۲. همبستگی متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی

و مهارت حل مسئله با احتمال طلاق

متغیر	احتمال طلاق	دل‌بستگی اجتنابی	دل‌بستگی اضطرابی	مهارت حل مسئله
احتمال طلاق	۱			
دل‌بستگی اجتنابی	$**0/43$	۱		
دل‌بستگی اضطرابی	$*0/11$	$**0/14$	۱	
مهارت حل مسئله	$**0/57$	$**0/63$	$**0/29$	۱

$**P < 0/01$

با توجه به جدول ۲ می‌توان مشاهده کرد که میزان همبستگی بین متغیر دل‌بستگی اجتنابی با احتمال طلاق برابر با ۰/۴۳ است که این رابطه در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین می‌توان مشاهده کرد که میزان همبستگی بین متغیر دل‌بستگی اضطرابی با احتمال طلاق برابر با ۰/۱۱ است که این رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار است. در نهایت همان‌طور که می‌توان مشاهده کرد متغیر مهارت حل مسئله نیز با احتمال طلاق دارای همبستگی ۰/۵۷- است که این رابطه نیز در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است.

برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله در احتمال طلاق از آزمون رگرسیون هم‌زمان استفاده شد که نتایج آن به تفکیک در جداول زیر ارائه می‌شود. البته پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه‌های نرمال بودن، عدم هم‌خطی و استقلال داده‌ها بررسی شد. آزمون کولموگروف-اسمیرنف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن توزیع چهار متغیر احتمال طلاق ($Z=0/903$, $p=0/389$)، دل‌بستگی اجتنابی ($Z=0/832$, $p=0/493$)، دل‌بستگی اضطرابی ($Z=0/522$, $p=0/948$)، مهارت حل مسئله ($Z=0/572$, $p=0/900$) مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به بالاتر بودن سطح معناداری این آزمون از ۰/۰۵ نسبت به برقراری این مفروضه اطمینان حاصل شد. برای بررسی مفروضه‌ی عدم هم‌خطی از آماره‌های عامل تورم واریانس و شاخص تحمل استفاده شد که با توجه به اینکه هیچ‌یک از مقادیر مربوط به شاخص تحمل کمتر از ۰/۰۱ و هیچ‌یک از مقادیر مربوط به عامل تورم واریانس (VIF) بیشتر از ۱۰ نیست، بر این اساس می‌توان نسبت به مفروضه عدم هم‌خطی نیز اطمینان حاصل کرد. برای بررسی استقلال داده‌ها نیز از آزمون دوربین واتسون استفاده شد که با توجه به نزدیکی آماره‌ی این آزمون (۱/۸۰) به مقدار ۲ می‌توان نسبت به برقراری این مفروضه نیز اطمینان حاصل کرد.

جدول ۳. خلاصه الگوی رگرسیون بین دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله در احتمال طلاق

مدل	R	R square	Adjusted R square	F	SIG
۱	.۵۸۲	.۳۳۹	.۳۳۳	۵۳۲.۶۵	.۰۰۰۱

جدول ۴: ضرایب رگرسیون متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله در احتمال طلاق

متغیر	ضرایب استاندارد			Sig	T	همبستگی جزئی
	B	SE	β			
دل‌بستگی اجتنابی	۰/۰۶۲	۰/۰۲۹	۰/۱۱۴	۰/۰۳۴	۲/۱۲۹	۰/۰۸۸
دل‌بستگی اضطرابی	۰/۰۲۶	۰/۰۲۲	۰/۰۵۰	۰/۲۵۵	-۱/۱۴۱	۰/۰۴۷
مهارت حل مسئله	-۰/۲۷۷	۰/۰۳۰	-۰/۵۱۵	۰/۰۰۱	-۹/۲۶۲	-۰/۳۸۴

بررسی جدول ۳ نشان می‌دهد که R چندگانه بین متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله در احتمال طلاق در حالت کلی ۰/۵۸ است و R^2 این الگو برابر ۰/۳۳ است. این یافته نشان می‌دهد که متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله ۳۳ درصد از واریانس احتمال طلاق را تبیین می‌کنند. همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود مقدار $F(۳, ۳۸۴) = ۶۵/۵۳۲$ به لحاظ آماری معنی‌دار است و این بیانگر این است که متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی، دل‌بستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله تبیین معنی‌داری از احتمال طلاق ارائه می‌دهد. جدول ۵ سهم متغیرهایی که دارای نقش معنی‌داری در تبیین احتمال طلاق است را نشان می‌دهد. جدول ۴ نشان می‌دهد که متغیرهای دل‌بستگی اجتنابی ($t=۲/۱۲۹$)، ($\beta = ۰/۱۱۴$) و مهارت حل مسئله ($t=-۹/۲۶۲$)، ($\beta = -۰/۵۱۵$) قادر به پیش‌بینی احتمال طلاق بوده‌اند و از سوی دیگر متغیر دل‌بستگی اضطرابی ($t=-۱/۱۴۱$)، ($t=-۰/۰۵۰$) نقشی در پیش‌بینی آن نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات و تجارب بالینی نشان داده‌اند که در جامعه معاصر، زوج‌ها مشکلات شدید و فراگیری را هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضاء انتظارات و نیازهای یکدیگر تجربه می‌کنند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، یک مهارت و هنر است که علاوه بر سلامت روانی و تجارب سالم اولیه به داشتن نگرش‌های منطقی و کسب مهارت‌ها و انجام وظایف خاصی نیاز دارد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۰؛ به نقل از سپهری، ۱۳۹۳). نتایج پژوهش حاضر نیز در درجه اول نشان داد تقریباً ۳۳٪

از واریانس طلاق توسط دو عامل عمده دل‌بستگی اجتنابی و مهارت حل مسئله قابل پیش‌بینی است؛ یعنی می‌توان گفت یک‌سوم مسائل زناشویی متأثر از این دو عامل است. یافته‌های پژوهش نشان داد دل‌بستگی اجتنابی در رابطه با همسر سهم معناداری در پیش‌بینی احتمال طلاق داشت درحالی‌که دل‌بستگی اضطرابی نتوانست نقش پیش‌بینی کننده‌ای داشته باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های ناهیدپور، خسروی، بلیاد، و آزادی (۱۳۹۰)، عارفی و همکاران (۱۳۹۰)، حیدری و اقبالی (۱۳۹۰)، حیدری تفرشی (۱۳۹۱)، جانسون و گرینمن^۱ (۲۰۰۶)، هالچاک^۲ (۲۰۱۰)، اجسی و جنکوز (۲۰۱۱)، میلیکین^۳ (۲۰۰۰) همسو است. می‌توان این‌گونه تبیین کرد که سبک دل‌بستگی، عامل مهمی است که عملکرد سالم و ناسالم زناشویی را توجیه می‌کند و روشی برای پاسخگویی به دلایل ناسازگاری زوجها ارائه می‌دهد؛ زیرا سبک دل‌بستگی افراد نشان می‌دهد که آن‌ها چگونه هیجانات خود را به افراد مهم زندگی‌شان عرضه می‌کنند. بزرگ‌سالان ناایمن اجتنابی به دیگران اعتماد ندارند و همیشه یک نوع فاصله‌ی هیجانی را از دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند. خصومت زیاد آن‌ها، محصول نیاز دل‌بستگی ناکام شده، همراه با انتظار طرد از سوی دیگران است. بزرگ‌سالان اجتنابی از ایجاد روابط صمیمانه با دیگران اجتناب کرده و در مقیاس‌هایی که روابط عاشقانه و رمانتیک را بررسی می‌کنند، نمرات پایین‌تری به دست می‌آورند. فردی با سبک دل‌بستگی اجتنابی، رابطه با همسرش را به‌عنوان یک نزدیکی نامناسب مطرح می‌کند و اغلب عدم اطمینان به همسر را تجربه می‌کند که همین امر، شکافی بین آن‌ها به وجود می‌آورد. افراد دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی تنهایی را ترجیح می‌دهند و در روابطشان همیشه یک مقدار فاصله هیجانی را حفظ می‌کنند و از صمیمی شدن با دیگران اجتناب می‌کنند. از آنجا که افراد دارای سبک اجتنابی قادر به روابط عمیق و صمیمی نیستند، لذا رضایت ارتباط جنسی و زناشویی پایین‌تری را دارا هستند بنابراین تعارض‌های میان فردی بیشتری را به‌خصوص با همسر خود تجربه کرده و بنا بر تمایلشان

-
1. Johnson & Greenman
 2. Hulchuk
 3. Millikin

برای ایجاد فاصله، می‌توانند یک عامل قوی برای احتمال طلاق باشند. این در حالی است که سبک اضطرابی نتوانست پیش‌بینی کننده احتمال طلاق باشد. شاید به این دلیل که مشخصه افراد اضطرابی، احساس نگرانی از طرد شدن است. آن‌ها در عین حال که به شدت به روابط نیاز دارند، به آن وابسته می‌شوند. به همین دلیل در روابط بسیار باز هستند، چه جسمانی و چه هیجانی، بسیار حساس و ابراز کننده‌اند و بسیار مراقبت کننده. هر چند که این مراقبت کنندگی ممکن است به مرز افراط برسد و آن‌ها را به فردی سلطه‌گر تبدیل کند، اما بهرامی (۱۳۸۸) معتقد است که همین ویژگی‌های مراقبت کنندگی و مراقبت جویی که اضطرابی‌ها به میزان زیادی از آن برخوردارند، امنیت را در روابط پرورش می‌دهند؛ زیرا مراقبت کنندگان شواهدی از دسترس بودن را برای همسر خود فراهم می‌آورند و مراقبت جویان به همسران خود فرصت زیادی می‌دهند که نیاز ایشان را برآورده کنند، که این خود می‌تواند تبیینی باشد بر اینکه اضطرابی بودن نتواند احتمال طلاق یا بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کند. علاوه بر این در تبیین این یافته می‌توان به این موضوع اشاره کرد که غالباً تئوری‌های رضایت زناشویی دربرگیرنده میزان صمیمیت تجربه‌شده توسط زوج‌ها هستند. مفهوم‌پردازی رایج از صمیمیت عبارت است از سطح نزدیکی همسر، اشتراک گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها فعالیت‌های مشترک، روابط جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی نظیر نوازش کردن (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷)؛ بنابراین دور از ذهن نیست که افراد اجتنابی با حفظ فاصله و ناتوانی در برقراری روابط صمیمانه کیفیت رابطه زناشویی را تنزل داده و منجر به بی‌ثباتی ازدواج شوند. به صورت کلی مادامی که زوجین از توانایی حل مسئله پایینی برخوردار باشند و نتوانند تعامل و ارتباط مناسبی با یکدیگر برقرار کرده و با شیوه‌ای مناسب مسائل و چالش‌های پیش رو زندگی را حل کنند و از روابط صمیمی اجتناب کرده و در مواقع استرس‌زا از همسر خود حمایت نکنند می‌توانند عامل و احتمال جدی برای ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی خود شوند. چراکه دو مورد از کارکردهای مهم ازدواج، برآورده کردن نیازهای حمایتی، مراقبت و نیازهای عاطفی افراد و تعامل سالم است (آشتیانی و آخوند، ۱۳۹۱). در واقع وقتی امنیت در روابط حفظ نشود و همسران در دسترس بودن یکدیگر را در مواقع نیاز درک نکنند و نتوانند ارتباط خوبی با هم برقرار کنند رفته‌رفته ثبات رابطه را کاهش خواهند داد.

تائید نقش مهارت حل مسئله در تبیین احتمال طلاق با نتایج پژوهش‌های برگندان و همکاران (۱۳۸۸)، شمسایی و همکاران (۱۳۹۵)، آزادی و همکاران (۱۳۹۳) وینسنت، واینر و گری^۱ (۲۰۰۶)، مورتون^۲ (۲۰۰۵) و جانسون، کوهن، داویل، لاوارنس، روجر، کارنی، سالیوان و برادبوری^۳ (۲۰۰۵) و اجسی و جنکوز (۲۰۱۱) همسو است. در تبیین این مسئله نیز می‌توان گفت که مهارت حل مسئله به منزله سپری در مقابل تأثیرات منفی حوادث اضطراب‌زای زندگی بوده و افرادی که واجد این مهارت نباشند بیشتر در معرض مسائل ناخوشایند قرار می‌گیرند. افرادی که دارای مهارت حل مسئله هستند در مقایسه با سایرین ناکامی کمتری را تجربه کرده و بهتر می‌توانند در مورد ابعاد دیگر کنترل مسئله تفکر کنند. نتایج پژوهش لویی (۱۳۹۲) این را تائید می‌کند که بین شیوه حل مسئله، شیوه مقابله با تعارض و سلامت روان‌شناختی رابطه معناداری وجود دارد. چراکه مهارت‌های حل مسئله به‌صورت مستقیم به مسئله‌سازگاری مربوط می‌شوند. افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردار نیستند به‌محض اینکه با مانعی برخورد می‌کنند ممکن است رفتارهای تکانشی از خود بروز دهند، احساس ناکامی کنند، پرخاشگر شوند یا برای پرهیز از موقعیت مشکل‌ساز گوشه‌گیر شوند. تکرار چنین موقعیت‌هایی ممکن است به ایجاد و بروز رفتارهای غیر انطباقی منجر شود (شور، ۲۰۰۱). رابطه بین زوجین هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روابط بین فردی مستعد تعارض و اختلاف‌نظرهای گوناگونی است که اگر زوجین قادر نباشند به روشی کارآمد به حل آن‌ها بپردازند زندگی‌شان دستخوش ناملایمات و ناکامی‌ها شده در نتیجه افزایش مسائل حل‌نشده بین آن‌ها تاب‌آوری را پایین آورده و می‌تواند یک پیش‌بینی‌کننده مهم در ناثباتی ازدواج بشود. در نتیجه می‌توان گفت توانایی حل مسئله یکی از عوامل تعدیل‌کننده اثرات رویدادهای منفی زندگی است و به نگرش، مهارت و توانایی‌هایی اشاره دارد که فرد را قادر می‌سازد در برابر هر یک از مشکلات زندگی راه‌حل مؤثر و سازگارانه را انتخاب کند (لویی، ۱۳۹۲).

1. Vincent, Wisnes & Gray

2. Morton

3. Jahnson, Cohan, Davial, Lawrence, Rogge, Karney, Sullivan, & Bradbury

نتایج این پژوهش در چندین حوزه می‌تواند مورد توجه واقع شود. نخست در حوزه درمان زناشویی، به مشاوران زناشویی کمک می‌کند تا زوج‌هایی را که تعارضاتی در روابط با همسر خویش تجربه می‌کنند نسبت به مهارت حل مسئله و سبک دل‌بستگی خویش و تأثیرش در روابط زناشویی آگاه سازند. در حوزه پیشگیری توجه به سبک دل‌بستگی افراد می‌تواند سرنخ‌هایی از ظرفیت‌های ارتباطی و کفایت صمیمیت زناشویی بعدی فرد را فرا روی مشاوران پیش از ازدواج قرار دهد. البته از آنجایی که سبک دل‌بستگی یک ویژگی شخصیتی است و کمتر قابل تغییر است توجه مشاوران و متخصصان در حیطه افزایش مهارت حل مسئله مراجعین مثرتر خواهد بود.

منابع

آزادی، زینب؛ کیمیایی، سید علی و عباسی بوردنرق، سکینه. (۱۳۹۳). رابطه توانایی حل مسئله خانواده و باورهای غیرمنطقی با مشکلات و ناسازگاری زناشویی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۹(۳۶)، ۸-۲۴.

آشتیانی عراقی، مهدی و آخوند، سکینه. (۱۳۹۱). اهداف ازدواج و کارکردهای آن از منظر اسلام. *دو فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵(۱۳)، ۵۵-

۸۳

برغندان، میترا؛ عنایتی، صلاح‌الدین و مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش مهارت حل مسئله به شیوه گروهی بر سلامت عمومی و رضایت زناشویی همسران کارمندان مرد طرح اقماری. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۲(۲)، ۹۵-۱۰۷.

برناه، معیا؛ حسن‌آبادی، حسین و قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی. (۱۳۹۲). *مقایسه‌ی اثربخشی زوج‌درمانی گروهی مبتنی بر رویکرد هیجان-مدار (EFT) با واقعیت‌درمانی (RT) بر رضایت‌مندی زناشویی هوش هیجانی و سلامت روان زوجین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.

بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۸). *فرآیندهای دل‌بستگی در زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی* (چاپ دوم).

تهران: دانژه.

- پناغی، لیلی؛ ملکی، قیصر؛ ذبیح زاده، عباس؛ پشت مشهدی، مرجان و سلطانی نژاد، زهرا. (۱۳۹۲). روایی، پایایی و ساختار عاملی مقیاس تجارب مربوط به روایی نزدیک (ECR). *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۹(۴)، ۳۰۵-۳۱۳.
- حمیدی، فریده. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی با رضایت‌مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. *خانواده‌پژوهشی*، ۳(۹)، ۴۴۴-۴۵۳.
- حیدری تفرشی، غلام‌حسین. (۱۳۹۱). رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری در تبیین رابطه بین سبک دل‌بستگی و منبع کنترل با رضایت‌مندی زناشویی در اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. *فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۸(۱۱)، ۲۳-۴۴.
- حیدری، علیرضا و اقبال، فرشته. (۱۳۹۰). رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دل‌بستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولادشهر اهواز. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۵(۱۵)، ۱۱۵-۱۳۴.
- خجسته مهر، رضا؛ امان‌اللهی، عباس؛ زهره‌ای، اسماعیل و رجیبی، غلامرضا. (۱۳۹۳). سبک‌های دل‌بستگی، اسناد علی و اسناد مسئولیت به‌عنوان پیش‌بین‌های خوشونت علیه زنان. *روان‌شناسی خانواده*، ۱۱(۱)، ۴۱-۵۲.
- روشنی، فرناز و حسن‌آبادی، حسین. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی درمان هیجان‌مدار (EFT) با درمان عقلانی-هیجانی-رفتاری (REBT) در افزایش سازگاری زناشویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- سپهری، سالومه؛ حسن‌آبادی حسین و قنبری هاشم‌آبادی، بهرام‌علی. (۱۳۹۳). مقایسه اثربخشی آموزش گروهی درمان ساختاری با درمان هیجان‌مدار بر کمال‌گرایی و سبک‌های دفاعی زنان متأهل دارای ترس از صمیمیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- شمسائی، فرشید؛ موسیوند، فاطمه؛ بیگ‌مرادی، علی و مقیم‌بیگی، عباس. (۱۳۹۵). تأثیر به‌کارگیری مهارت حل مسئله بر سازگاری اجتماعی در زنان بعد از هیستریکتومی. *نشریه روان‌پرستاری*، ۴(۱)، ۵۶-۶۳.

عارفی، مختار؛ نوابی نژاد، شکوه؛ شفیع‌آبادی، عبدالله و کیامنش، علیرضا. (۱۳۹۱). سبک‌های دل‌بستگی، جنسیت، رضایت زناشویی. پژوهشنامه تربیتی، ۷(۳۱)، ۱-۱۶.

ناهیدپور، فرزانه؛ خسروی، زهره؛ بلیاد، محمدرضا و آزادی، شهذخت. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی، بخشش و تعارضات زناشویی در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره‌ی شهر کرج. فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه‌شناسی زنان، ۲(۳)، ۶۱-۷۹.

- Ahmadi, K. Ashrafi, S.M.N. Kimiaee, S.A. & Afzali, M.H. (2010). Effect of family problem- solving on marital satisfaction. *Journal of Applied Sciences*, 10(8), 682-687.
- Banse, R. (2004). Adult attachment and marital satisfaction: Evidence for dyadic configuration effects. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21, 273-282.
- Brittany C. Solomon. Joshua J. Jackson. (2014). Why do personality traits predict divorce? Multiple Pathways Through Satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 106, No. 6, 978-996.
- Cassidy, T. (2010). Problem-solving style, achievement motivation, psychological distress and response to a simulated emergency. *Journal of Counselling Psychology Quarterly*, 15(4), 325-332.
- C. Chang, Lawrence J. Sanna, Meghan M. Riley, Ann Marie Thornburg, Kathryn M. Zumberg, Michael C. Edwards. (2007). Relations between problem-solving styles and psychological adjustment in young adults: Is stress a mediating variable? *Journal of Personality and Individual Differences*, 42, 135-144.
- Egeci, S & Jencoz. T. (2011). The Effects of Attachment Styles, Problem-Solving Skills, and Communication Skills on Relationship Satisfaction. *Social and Behavioral Sciences*, 30, 2324 – 2329.
- Hulchuk, R. E. (2010). Resolving attachment injuries in couples using emotionally focused therapy: A three-year follow-up. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 9, 31-47.
- Hepner, P.P. Lee, D. (2002). Problem solving appraisal and psychological adjustment. *Handbook of Positive Psychology*, (pp.288-298). New York: Oxford University Press.
- Jahson, M. D. Cohan, L. C. Davial, J. Lawrence, E. Rogge, R. D. Karney, B. R. Sullivan, K. T. Bradbury, T. N. (2005). Problem-solving skills and affective expression as predictors of change in marital satisfaction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 73(1), 15-27.

- Johnson, S. M. Greenman, P. S. (2006). The Path to a Secure Bond: Emotionally Focused Couple Therapy. *Journal of Clinical Psychology*, 62(5), 597-609.
- Lawrence, E. Bunde, M. Barry, R. A. Brock, R. L. Sullivan, K. T. Pasch, L. A. White, G. A. Dowd, C. E. Adams, E. E. (2008). Partner Support and marital satisfaction: Support amount, adequacy, provision, and solicitation. *Personal Relationship*, 15(4), 445-463.
- Matthews, S. U. (2010). Adult attachment styles: relationships with marital and sexual satisfaction. A Thesis Presented to the Department of Social Work California State University, Long Beach.
- Millikin, J. W. (2000). Resolving attachment injuries in couples using emotionally focused therapy. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, 64, 175-183.
- Morton, J. A. (2005). A study to determine the influence of teaching problem solving tools to educationally at-risk high school students. Dissertation Abstracts International Section. A: *Humanities and social sciences*. 66(4-A), 1266.
- Patrik, S. Sells, J. Giordano, F. Tollerud, T. (2007). Intimacy, differentiation and personality variables as predictor of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Safizadeh, M. Nakhaee, N. (2016). Causes of Increasing Trend of Divorce in Iranian Community: What Do the Experts Think? *Journal of family medicine*, 3(4), 2-6.
- Shure, M. B. (2001). I can problem solve: An interpersonal cognitive problem solving program (2nd ed). *Champaign, IL: Research Press*.
- Vincent, J. P. Wisnes, R. L. Gray, R. (2006). A behavioral analysis of problem solving in distressed and nondistressed marriage and stranger dyads. *Behavior Therapy*, 6(4), 475-487.